



۸۵ - ۸۴
۷۵۵۵

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the previous page, containing several lines of text.

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: معارج الاعراب فی شرح حسن راز

مؤلف: میرزا محمد بن علی الحیدر اللاهی

موضوع: فقه

بازرسی شد

۱۲۸۲

۶۹۶۷

شماره ثبت کتاب

۵۹۵۲

۳۳۳

کتاب: قرآن مجید
F594



کتابخانه ملی و اسناد ایران



[illegible][illegible]

24

٧٩

مکتبہ

99

2

54

[illegible]

[illegible][illegible]

2

45

2

07

2

07

[illegible][illegible]

10

[illegible]

19

[illegible]

[illegible][illegible]

10

195

155

1

151

1771

[illegible]

میزو

[illegible]

10

[illegible]

[illegible][illegible]

2

[illegible]

2

[illegible]

22

[illegible]

100

24

104

[illegible]

[illegible][illegible]

3.

[illegible]

لیکن مثل این نظم فادیس هیچ آفریده ستلوم دنیا خدایت و زنده اهل انصاف از حق اظهار
 و هر کس که طاعت می شناسد به حقیقت حق دانیش نشاند و هر آن وقت که صبح جزایان و بعد
 و بر ما نیست **تمت** باغش و سزاوارتی از فیض و انعام شرح این کتاب آن بود که در
 داشتیم که با عتبات حق محققان انعام نام داشت و بهیچری دیگر بر این ابرو صلاحتی نداشت
 که او بکشتن داد و رعایت حق و شیخ با قه و از دل و عیا و توجع و تلویح لطافت و نکات
 مسائل او شتافت و نقلت که شیخ عیسی او نمود که مراد از عالم و آرد و است که او بکشتن
 از عتبات ای خدا بشنوم و دیگر آنکه کتب آنکه های او بهیچ بیست من هر جاتی نام هر جری
 متروک نوشته و در چیزی می توان خواند که با یکدیگر که بعضی او بگوید نامی شوم با یکدیگر
 و او می شنود و مطابقت از بعضی است که شیخ جیلد یا شیخ شایسته در هم الله فرموده اند از بعضی
 من و او نقل حکایت را منقول خست که بهرام میر که از کتاب شیخ کشتن او بدست دیر و نقل
 مستحکم بود تا بعد این وسیله اطلاع بر شما داشت و بعد از آن با یکدیگر که است می باشد
 که در این راه هم کاسیام و در عیون و دهانی و در دوزخ و چون چنین کوی خدا بار آورده
 و از حق باران و آنکه انبیا نیست و از آنکه بگویند که در آن نیست و معنی آن فرموده
 می گویند هر کس به مخالفت خود می زند هر کس که کاسیام ها بود آن صاحب خود است
 جاد و بداند بود / تو بخواهی که کاسیام بدی / شش و آنکه از آن که از آن / باز تو می خواهی تا آن
 کاست یا بدی و حال او تا سزاوارست / من بگویم و صفت حق و تاده بر من / پشیمان که تو رفت
 حجت خودند / تو دینی و حق جزایان / خلق و طاعت و عبادت و کائنات / که تو می خواهی
 عجیب و کثیف / و دینی و خلق آنک و صفت / در دین عباد و عباد می / هر آنکه
 که بکشد / لیکن لایزال و معنی نیست / جانده آفرین آن و حق و نیست / طبع
 و نیست با اهل ایمان / هر چه در عشق و از من و طاعت / چون من از اهل انصاف و شرف
 که او است که با او بود هر که می خواند و بشکوه آن وقت صفت اهل کوی دیگر که میل
 و دعا و خبر بگرداند و میزد که / عز و از جمله آن تا گویند یا / عز و می گویند و هست
 با که بهیچ من و معنی انصاف از عظیم و تقیید این کتاب غریزی و برکتی و طاعتی و ادبانه

کوی دوزخ

کوی که صحت حق بر او باد که بهیچ معنی ندارد که بهیچ معنی ندارد و صلاحتی
 دوا آورده با حسن و با طبع نظام را آورده است حق نام بر سر شد آن ثابت که این
 حتما دادند بر اهل طاعت که حقیقت کفر از انبیا تا که بر زبان و حقیقت را بجا
 و در کتاب هر کس که از او / چون دانش و از حق انصاف و شرف از نیست
 و کوی که / بنام خویش که در حق و طاعت / اهل طاعت و شرف / معنی
 داشت که نام و در حق و طاعت / است حق و با طاعت و شرف / معنی
 خدا و خدا را طاعت حق و کوی که نام شیخ / بر کوی که نام مسعود الدین
 چیست و بود و بهیچ من و صفت / در حق و شرف / معنی
 شرف و بر طاعت و طاعت و شرف / در حق و شرف / معنی
 سزاوارست از جمله آنکه از حق و شرف / در حق و شرف / معنی
 هذا الكتاب المستوفى بمناقب الامهات
 في شرح كل من لا يجد في غيره
 يكافي من يدرك قدره
 الكتاب مستوفى
 حنیف و طاعت
 الا لاف
 الحمد
 الله

